

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۱۲۲

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(پنجم مذاکرات روز دوشنبه)

شنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۳ - ۵ ذیحده ۱۳۵۳

شماره مسلسل: ۶۶۷

قیمت اشتراک } سالانه } داخله: ۲۰ ریال
خارجه: ۱۰۰ ریال } تک شماره: دو ریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۳ * (پنجم ذی قعدة ۱۳۵۴)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شور دوم لایحه اصلاح قانون حکمت

۳) موقع دستور جلسه بعد - غنم جلسه

(مجلس يك ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس سیزدهم بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

نمایندگان محترم در مجلس بالاخره خبر شور اول خود را بشرح ذیل اصلاح و علیهذا راپرت آرا تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینمایند که بجای قانون حکمت مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ و قانون اصلاحی آن مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۰۸ مورد تصویب واقع شود.

قانون حکمت

ماده ۱ - کلیه اشخاصی که اهلیت افتاد دعوی را دارند میتوانند براضی اختلافات و منازعه خود را در حقوق و اموال اعم از اینکه در محاکم عدلیه طرح شده باشند یا نشده باشند در صورت طرح در هر مرحله که باشد

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؛ (گفته شد - غیر) صورت مجلس تصویب شد.

۲ - شور دوم لایحه اصلاح قانون حکمت

رئیس - خبر از کمیسیون قوانین عدلیه راجع به اصلاح قانون حکمت شور تانی.

خبر کمیسیون:

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نبره ۲۴۶۸۱ دولت در اصلاح قانون حکمت را برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات لازمه و دقت در پیشنهادات آقایان

* * * عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و سومین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون در اندامه ۱۳۰۰)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان حاج فلاحین ملک - اسدی - دکتر قزل ایلی - وکیل - یونس آقا و هلیزاده - شریعت زاده - کورس

ویرآمدگان بی اجازه - آقایان : شبرازی - یات - استعداری - محمود ثانی - وکیل .

معدل .

می تواند برضی بحکمت يك با چند نفر رجوع کنند.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - اولاً اینجا توجیه صورت طرح در هر مرحله که باشد آیا مطلقه نیز می باشد یا هم شامل می شود چون معلوم است در مرحله نیز مابین دعوی رسیدگی نمی شود از این جهت دیگر آنجا تجدیدنظر بپذیرد بنده چندان صاحب نظر نیستم یکی هم اینجا عبارت تراضی در دو جا ذکر شده یکی (تراضی اختلافات و تنازعاً خود را) و یکی هم در آخر ماده (تراضی بحکمت يك یا چند نفر رجوع کنند) بنده بنده تراضی دوم باید حذف شود.

وزیر عدلیه - در قسمت اول که اگر در مرحله نیز می باشد اقتضای رجوع بحکمت ندارد اینطور نیست یعنی دیوان نیز اگر چه وارد مابیت دعوی نمی شود برای اینکه بعد از آنکه کار به آنجا ارجاع شده و ابرام نمود در مابیت دعوی حکم مؤثر است درباره طرفین و اگر هم قضی کرده بحکمت دیگر رجوع می شود او هم رسیدگی میکند باین جهت اگر در آنجا هم که باشد ارجاع کنند کارشان را بحکمت از حیث اخلاف و تنازع بین خودشان در مابیت دعوی خلاص می شوند اگر چه دیوان نیز تکلف باشد نسبت بحکم سابق که در محکمه نانی است نظر خودش را در قضا و با ابرام بگوید ولی آن قضا و ابرام نسبت بطرفین دیگر مؤثر نیست آنچه مؤثر درباره طرفین است همان حکمی است که حکمها برضی بدهند. در قسمت دوم هم ضروری ندارد تکرار تراضی زیرا اعم است از این که در محاکم عدلیه طرح کرده باشند یا نکرده باشند مقصود این است که تراضی کنند و در قسمت دوم منحصر است باینکه در محاکم طرح شده باشد و در هر مرحله که باشد باز هم تراضی بایستی بحکمت ارجاع کند پس این تکرار ضروری ندارد.

رئیس - آقایانیکه با ماده اول موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم:

ماده ۲ - متعاملین می توانند در ضمن معامله یا بموجب قرارداد علیحدگی ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف همین که ممتنع باشد در مورد معاملات واقع بین اتباع نیز می تواند بحکم یا حکم های خود را قبل از تولید اختلاف معین کنند معذک در مورد معاملات واقع بین اتباع ابرام و ابطال خارج طرف ایرانی نمیتواند مادام که اختلاف تولید نشده است بنحوی از اجراء ملزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا بحکمت يك یا چند نفر و یا بحکمت هیئتی رجوع نماید که آن شخص یا اشخاص و یا آن هیئت دارای همان تاهیت باشد که طرف معامله دارد. هر قراردادی که مخالف این حکم باشد باطل و بلا اثر است.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - از این عبارت ماده اینطور فهمیده میشود که اگر طرف معامله تبعه ایران باشد اگر اختلاف پیدا شده باشد میتواند بپاک هیئتی بپاک اشخاصی که تبعه خارجه باشند حکمت بدهد این را آقای وزیر عدلیه توضیحی بدهند به بینیم که اگر اختلافی تولید شده باشد منظر آن بپاک هیئت یا اشخاصی بپاک تبعه خارجه باشد رجوع کنند بانه

وزیر عدلیه - بلی منظور همین است که وقتی اختلاف تولید شده است یعنی در بعد فرار داد بادر ضمن معامله این کار را نکند که حکم را هم همانوقت از اتباع دولتی که آن طرف هم اتباع آن دولت است معین بکند برای اینکه بعد ممکن است اسباب زحمت بشود ولی بعد از تولید اختلاف البته فکرش را میکند اگر صلاح است آنطور تعیین میکنند و اگر نیست نمیکند بنده برضا و اقتضای کار خودش است.

رئیس - آقایانی که با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم:

ماده ۳ - خارج فرار داد حکمیکه باید نکات ذیل ذکر خود.

۱ - مدعیات طرفین و حکم ها از قبیل اسم و اسم بهائوادگی و غیره بطوری که رافع اقتضای باشد
۲ - موضوع اختلاف که باید بحکمت قطع نمود
رئیس - آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد ماده چهارم
خرالت میشود:

ماده ۴ - در مورد ماده ۲ هرگاه طرفین حکمیکه یا حکمهای خود را در ضمن معامله یا قرارداد معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف يك طرف حکم خود را معین ننماید طرف دیگر میتواند بحکم خود را معین کرده بوسیله اظهارنامه رسمی او را بطرف مقابل معرفی و از طرف مزبور تقاضا نماید که حکم خود را معین و معرفی کند در اینصورت طرف مذکور مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهار نامه و با رعایت مدت مسافت حکم خود را معین و اعلام کند و هرگاه تا افضای مدت مذکور اقدام ننمود بحکمه که صلاحیت رسیدگی بموضوع اختلاف را دارد بتقاضای طرفیکه حکم خود را معین کرده است حکم طرف دیگر را معین خواهد نمود.

در صورتیکه نسبت باصل معامله یا قرارداد راجعه بحکمت بین طرفین اختلافی باشد حکمه قبلاً بیان رسیدگی کرده پس از احراز مبادرت بتعیین حکم ممتنع مینماید ولی مادام که حکم معین از طرف حکمه بپاک طرف ابلاغ نشده است طرف ممتنع میتواند حکم خود را معین و معرفی کند. ترتیب فوق در موارد ذیل نیز رعایت خواهد شد:
۱ - هرگاه بموجب قرارداد بین طرفین حل اختلاف باید بحکم واحد رجوع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب حکم مزبور تراضی کنند.

۲ - در صورتیکه حکمیکه یکی از طرفین لوث کند یا استغفا دهد و طرف مزبور نخواهد جانشین او را معین کند.

۳ - در صورتیکه طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب

حکم ثالث تراضی نمایند بحکمه صلاح جهت دارد بر اینصورت حکم بحکمه مابین که صلاحیت تعیینکن باصل دعوی را دارد رئیس - آقایانی که ماده چهارم را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم
ماده ۵ - هرگاه در قرارداد حکمت عدد حکم ها معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین عدد حکم ها توافق کنند هر يك از طرفین باید بکنفر حکم اشخاصی و هر دو متفقاً بکنفر حکم ثالث معین کنند

طباطبائی دیبا - چون ممکن است در حکم هم تری اختلاف داشته باشند بنده همیدام این امری که باید باشد یعنی دیگری هم کرده که اگر در حکم مشترك هم اتفاق نداشته باشند آنوقت باز آنها را حکمه معین بپاکها والا معصن است طرفین در حکم مشترك توافق داشته باشند وزیر عدلیه - این در قسمت سوم ماده قول رعایت شده است

رئیس - آقایانی که با ماده پنجم موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ششم
ماده ۶ - اگر دو قرارداد حکمت مدت اختلافی حکمها معین نشده باشد مدت درجاء خواهد بود ابتداء آن از روزی است که تمام حکم ها کتباً قبول حکمت را کرده اند.

رئیس - آقایانیکه با ماده ششم موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم
ماده ۷ - در هر موردی که حکمه بپاک طرفین یا یکی از آنها تعیین حکم میکند باید لافل اسم دو برابر

عدهای را که باید معین شود و واجد شرایط مقرره هستند
گرفته و حکم یا حکمهای لازم را از بین آنها بطریق قرعه
معین میکند

رئیس - موافقین با ماده هفتم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم
ماده ۸ - اشخاص ذیل را مطلقاً نمی توان بحکمیت
معین کرد:

۱ - محکومین بجنایت و کسانی صکک بانام ارتکاب
جنایتی تحت تعقیب هستند.

۲ - محکومین بجنحه که محکمه در حکم خود آنها را
از حق حکم شدن محروم کرده باشد.

رئیس - موافقین با ماده هشتم قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم
ماده ۹ - اشخاص ذیل بوسیله قرعه بحکمیت انتخاب
نمیشوند:

۱ - کسانی که سن آنها کمتر از سی باشد.

۲ - کسانی که در مقر محکمه که حکم را معین میکند
مقیم یا ساکن نیستند

رئیس - موافقین با ماده نهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم
ماده ۱۰ - اشخاص ذیل را نمی توان بقیه قرعه بسمت
حکم مشرک معین کرد مگر بتراضی طرفین:

۱ - کسیکه در دعوی ذی نفع باشد.

۲ - اشخاصی که با یکی از متداعیین قرابت سببی یا
لسی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند

۳ - کسیکه قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی
از متداعیین یا یکی از متداعیین مباشر امور اوست.

۴ - کسیکه خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعیین
است.

۵ - کسی که با یکی از متداعیین یا اشخاصی که با
یکی از آنها قرابت لسی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم
دارند عا که جنالی یا جنحه سابقاً یا فعلاً داشته باشد.

۶ - کسیکه شخصاً با زوجه او و با یکی از اقربای
لسی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او یا یکی از
متداعیین یا زوجه و یا یکی از اقربای لسی یا سببی تا درجه
دوم از طبقه سوم او عا که حقوقی دارد.

۷ - قضات و صاحبمنصبان بدایت و استئناف و حکام
و سایر مأمورین دولت در حوزه ماموریت خود

رئیس - آقایان

للمر - یکی در لفظ مباشرت و البته اگر چه اینها
مطالبی است که بعرف بر میگردد ولی اگر توضیح بدهند
که مقصود از مباشرت تا چه درجه از مباشرت است بهتر
است چون برای يك كار و دو كار هم مباشرت میشود گفت
و به پیشکار و نوکر هم میشود چون ممکن است در آیه
اسباب اشکال شود بهتر است که توضیحی بفرمایند دوم
مسئله ایست که در تمام اینها نوشته ایم قرابت سببی و
لسی اینها برای وقتی است که حکم معین میکنند البته
اگر بعد از معین کردن حکم این اتفاق برایشان افتاد یعنی
حکم معین کردند بعد قوم و خویش شدند و وصلت کردند
در آن موقع البته اگر چه ممکن است چون این طور شده
صلاحیت بر گردد ولی بعقیده من بهتر است که توضیحی
داده شود.

وزیر عدلیه - موضوع مباشرت چیزی نیست که مشتبه
شود چون این قبیل الفاظ و عبارات در تفاهم عرفی معین
میشود و معلوم است مباشرتی که در کلیه امور مباشرت
محبوب میشود البته يك كار و دو كار از طرف او بکنند
او را مباشرت نخواهند گفت و اما در مسئله اینکه درین
حکمیت يك موجودی فراهم بشود مثل قرابت و امثال
آن این تکلیفش در ماده ۱۱ پیش بینی شده است.

رئیس - آقایانیکه با ماده دهم موافقت دارند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده یازدهم
ماده ۱۱ - بعد از کشیدن قرعه و تعیین حکم هر
يك از طرفین حق دارد از تاریخ اعلام در جلسه در
صورت حضور و ابلاغ باو در صورت غیبت آده روز
حکم معین را رد کند مگر آنکه موجبات رد پیدا
حادث شده باشد که در این صورت ابتداء مدت از روزی
است که علت حادث شده. محکمه پس از وصول
اعتراض رسیدگی کرده هر گاه آن را وارد دید حکم
دیگری را بجای حکم مردود معین میکند

رئیس - موافقین با ماده یازدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیزدهم
ماده ۱۳ - پس از قبول حکمیت حکمها حق
استغفا ندارند مگر در صورت داشتن عذر موجه از قبول
مسافرت یا ناخوشی و امثال آن. حکمی که بدون داشتن
عذر موجه استغفا دهد تا پنجسال بطریق قرعه بحکمیت
معین نخواهد شد و در صورتیکه در دو جلسه بدون
عذر موجه حاضر نشود حکمها بیکه در جلسات حاضر
شده اند مراتب را بحکمته مربوطه اطلاع میدهند و
محکمه دیگری را بجای او معین میکند مگر آنکه
طرفین بحکمیت خود آن حکم تراضی کنند.

رئیس - موافقین با ماده بیزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیزدهم
ماده ۱۴ - هر گاه حکمها در مدت معینی در
قرارداد حکمیت یا مدنی را که قانون معین کرده است
رأی ندهند حکمیت آنان کان لم یکن خواهد بود
مگر آنکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند.

رئیس - موافقین با ماده چهاردهم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهاردهم
ماده ۱۴ - هر گاه حکمها در مدت معینی در
قرارداد حکمیت یا مدنی را که قانون معین کرده است
رأی ندهند حکمیت آنان کان لم یکن خواهد بود
مگر آنکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند.

رئیس - موافقین با ماده چهاردهم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهاردهم
ماده ۱۴ - هر گاه حکمها در مدت معینی در
قرارداد حکمیت یا مدنی را که قانون معین کرده است
رأی ندهند حکمیت آنان کان لم یکن خواهد بود
مگر آنکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند.

رئیس - موافقین با ماده چهاردهم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهاردهم
ماده ۱۴ - هر گاه حکمها در مدت معینی در
قرارداد حکمیت یا مدنی را که قانون معین کرده است
رأی ندهند حکمیت آنان کان لم یکن خواهد بود
مگر آنکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند.

رئیس - موافقین با ماده چهاردهم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهاردهم
ماده ۱۴ - هر گاه حکمها در مدت معینی در
قرارداد حکمیت یا مدنی را که قانون معین کرده است
رأی ندهند حکمیت آنان کان لم یکن خواهد بود
مگر آنکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند.

رئیس - موافقین با ماده چهاردهم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده یازدهم
ماده ۱۵ - شخص ثالثی که مطابق قانون جلب شده
و یا قبل و یا بعد از ارجاع اختلاف بحکمیت وارد دعوی
می شود می تواند با طرفین اصلی در ارجاع امر بحکمیت
و تعیین حکم یا حکمهای تعیین شده تراضی کند و اگر
موافقت حاصل نکرد دعوی مشارالیه مطابق مقررات
مستقلاً رسیدگی خواهد شد.

رئیس - موافقین با ماده یازدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را بحکم
بدهند و حکمها نیز می تواند توضیحات لازمه را از
آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کشف اوضاع
و احوالی شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی حکم
مؤثر بوده و تحکیم جهت حقوقی از جزائی ممکن
باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط بامر نکاح
یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امریکه راجع
بحکمیت شده متوقف بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق
یا نسب بشود حکمها باید دعوی را بچکمه ارجاع کننده
یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد
رجوع کند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر
جزائی یاصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم مزبور بحکمها
ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید
می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط
بامر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی بدهند دعوی
جمل و زور در سند بدون تعیین چافل و مزور و
یا در صورتیکه تعقیب چافل و مزور بجهتی از جهات
قانونی ممکن باشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

رئیس - موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - موافقین با ماده هفدهم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هجدهم

ماده ۱۸ - حکم ها در رسیدگی و رأی تابع قواعد اصول محاکمه هستند ولی باید شرایط قرار داد حکمیت را رعایت کنند.

رأی حکم باید موجه بوده و مخالف با قوانین معنوی (قوانین موجود حق) نباشد.

رئیس - آقایانیکه ماده هجدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نوزدهم

ماده ۱۹ - در صورتیکه حکمها اختیار صلح داشته باشند میتوانند دعوی را صلح خانم دهند.

رئیس - موافقین با ماده نوزدهم قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیستم

ماده ۲۰ - اگر یکی از حکمها در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر بوده ولی برای دادن رأی بدون عذر موجه حاضر نشود یا از دادن رأی امتناع نماید رأی که با اکثریت صادر میشود منطبق اعتبار است عدم حضور و یا امتناع حکم از دادن رأی یا از امضاء آن باید در ورقه حکم قید شود.

رئیس - موافقین با ماده بیستم قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و یکم

ماده ۲۱ - پس از وصول رأی حکم مدیر دفتر بنا اخلاص رئیس محکمه آنرا عینا در دو نسخه عمل ثبت کرده مطابقت ثبت را با اصل تصدیق و امضاء رئیس محکمه میرساند و اصل حکم را برای ابلاغ با صاحب دعوی میفرستد

رئیس - موافقین با ماده بیست و یکم قیام فرمایند.

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و دوم

ماده ۲۲ - هرگاه محکوم علیه تا ده روز بعد از ابلاغ باطلوع حکم را اجرا نکند محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت و با محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد مکلف است بتقاضای طرف ذینفع بر طبق رأی حکم ورقه اجرائیه صادر کند.

رئیس - موافقین با ماده بیست و دوم قیام فرمایند
(اغلب بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و سوم

ماده ۲۳ - هرگاه طرفین رأی حکم را با توافق رد کنند حکم بلا اثر خواهد شد.

رئیس - موافقین با ماده بیست و سوم قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و چهارم

ماده ۲۴ - حکم ها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد هر يك از طرفین میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت قانونی قسح آنرا از محکمه ارجاع کننده و یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بخواهند

رئیس - موافقین با ماده بیست و چهارم قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و پنجم

ماده ۲۵ - در موارد ذیل رأی حکم اساسا باطل و از درجه اعتبار ساقط است

۱ - در صورتیکه رأی مخالف با قانون باشد

۲ - وقتی که حکم ها خارج از حدود اختیارات خود و یا نسبت بمطلبی که موضوع حکمیت نبوده است رأی داده باشند.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنظر منده يك مطلبی مخدوف مانده است و بایستی در ضمن مواد مربوط بقانون حکمیت نوشته شود و آن این است. که آقایان حکمها در رأی که میدهند

اگر در عدد اشتباه کنند یا اتفاقاً قسمتی از مدعی به که مورد رسیدگی و حکم بوده است در رأی خودشان ذکر نکنند و در قانونی هم که برای اصلاح قانون اصول محاکمات تصویب شد نسبت باحکام عمایم هم این پیش بینی شد چون ممکن است محکمه در موقع صدور رأی در عدد اشتباه بکند یا قسمتی از مدعی را اشتباها حذف بکنند و همبطور چون ممکن است نسبت برای حکم ها هم این اشتباه پیش بیاید بنده معتقدم که مقتضی است این قسمت را در این قانون هم منظور کنند برای این منظور بنده يك پیشنهادی کردم که جایش در همین ماده بیست و پنج است و استدعا دارم قرائت بفرمایند اگر پیشنهاد بنده تصویب شود و بلا مجامع بتوانم ماده بیست و پنجم اضافه و تصویب شود اعداد مواد بعدی هم تغییر خواهد کرد یعنی ماده بیست و پنج اصلی بیست و شش میشود و بیست و شش بیست و هفت الی آخر

رئیس - آقای افسر

افسر - عرض بنده در ماده خبر کمیسیون است که قرائت شد. در مواد قبل گفتیم که مخالف قوانین معنوی نباشد و مطلقا نکند که مخالف قوانین باشد از درجه اعتبار ساقط است. البته ممکن است که این را اجتهاد کرد که راجع به چه چیز است ولی البته اگر توضیح نبود که معلوم باشد البته بدیهی است اینکه در ماده بیست و پنج نوشته اند در صورتیکه رأی مخالف قانون باشد مقصود در اینجا هم همین است که رأی مخالف قوانین معنوی نباشد و الا اگر بگوئیم بطور مطلق مخالف قانون در پیش گفتیم که حکم ها مجبور نیستند کلیه چیزها را رعایت کنند مگر آن قسمت قوانین معنوی را این جا بنظر بنده اگر اصلاح بشود و این قید بشود که قوانین معنوی مثل آن ماده قبلی بهر است چون پیش گفتیم که حکمها میتوانند رأی بدهند ولی مخالف با قوانین معنوی نمی توانند رأی بدهند ولی اینجا در این ماده بیست و پنج مطلق قانون را نوشته اند. وزیر عدلیه - بعد از رعایت پیشنهاد آقای احتشام زاده

۱ در صورتیکه موافقت بشود ۲ آنوقت در این ماده صحبت میکنیم.

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده:

پیشنهاد میکنم ماده ذیل بعنوان ماده بیست و پنج تصویب شود.

ماده ۲۵ - هرگاه حکمها در حسابی اشتباه کرده یا قسمتی از مدعی به را که مورد رسیدگی بوده اشتباه کرده در رأی خود ذکر نکرده باشند طرف ذی نفع میتواند در صورتیکه بدون حکمیت بقی باشد تصحیح آنرا از خود حکمها و الا در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی حکمها از محکمه ارجاع کننده دعوی بحکمیت از محکمه صالحه بخواهند.

رئیس - نظر آقای وزیر عدلیه:

وزیر عدلیه - بنده موافق هستم با این پیشنهاد و بجا است الا اینکه يك قیدی بنود که در صورتیکه اشتباه در حساب مؤثر در نتیجه و در رأی هم باشد در صورتیکه هیچ مؤثر نباشد که البته آن صحیح نیست

احتشام زاده - بنده پیشنهاد خودم را باین ترتیب اصلاح میکنم: هرگاه حکمها در حسابی اشتباه کرده که این اشتباه در رأی مؤثر باشد و یا قسمتی از الی آخر

رئیس - نظر آقای مخبر:

مخبر - (خبر کمیسیون قوانین عدلیه) - بنده هم باین نظر کاملا موافقم بعد از اینکه در رون اصول محاکمات یکی از اصلاحاتی که درش شد این بود که اگر در حسابی اشتباه شده باشد باید توضیحی مخدوف مانده باشد می تواند تغییر بدهند البته در رأی حکم هم این احتمال بیشتر می رود ولی همینطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند در موردی که در رأی مؤثر باشد در عدلیه و حسابی که در رأی مؤثر باشد باینکه جمله که موجب و مورد رأی واقع شده است ولی در رأی شان نوشته اند آنرا البته بنده هم باین نظر موافقم که این اصلاح شود.

رئیس - پس بنا بر این این ماده را میگذاریم بجاهم

دادا بیست و پنج و ماده پانزدهم و بیست و یک و بیست و دو
آقایانی که باین ماده که خبر که بون و دولت قبول کردند
موافقت دارند ایام فرماید (اکثر برخاستند) تصویب
شد. ماده بیست و ششم که همان ماده بیست و پنجم سابق
است که فرات شده بود. آقای افسر فرماید: دانشمند
الهی - عرض کردم آقای وزیر فرمودند بعد جواب
بدهیم.

ولیر عدلیه - اینجا فرمود معلوم است برای اینکه
در دو ماده قبل نوشته بود که حکمها در رسیدگی و رای
تابع قواعد اصول عا که هستند از طرفی هم گفته شد که
که رای حکمها باید مطابق با قوانین و مقررات باشد بنابراین
این جا نتیجه این است که اگر رای حکم مخالف با قوانین
معمولی باشد چه باید کرد؟ بگوئیم از درجه اعتبار
ساقط است مراد از قانون معلوم است.

الهی - بسیار خوب.
ولیر عدلیه - آقایانیکه با ماده بیست و ششم موافقت دارند
قیام فرمایند. (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده
بیست و هفتم.

ماده ۲۷ - در مورد دادا فوق هر يك از طرفین
می توانند از محکمه که دعوی را ارجاع بحکمیت کرده با
محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بطلان
رای حکم را بخواهد در اینصورت محکمه مکلف است
بتقاضای مزبور رسیدگی کرده هرگاه رای برطبق ماده
فوق باطل شد حکم بطلان آن بدهد. رد تقاضای ابطال
رای حکم و حکم بر بطلان آن فقط قابل استیناف است در
صورتیکه رد تقاضا با حکم بطلان از محکمه استیناف صادر
شده باشد قابل تمیز است.

در مورد این ماده هرگاه ورقه اجراییه صادر شده باشد
محکمه باید فوراً و قبل از تعیین جلسه بدلائل تقاضا کننده
توجه کرده هرگاه دلائل را قوی یافت قرار داد
بتوقیف ورقه اجراییه صادر نماید.
ولیر عدلیه - اشکالی ندارد. آقایانیکه با ماده بیست و هفتم

و تراخی طرفین است و نظر حکمها کمان به یکدیگر مؤثر
باشد چون راجع به ابعاب دعوی که نیست تا آنها رسیدگی
کنند و رای بدهند.

ولیر عدلیه - این جا مقصود تقسیم است نه مسئله
تقسیم است که قانون میگوید باید تقسیم شود بین طرفین
یعنی حق حکم مشترك را. چون قانون این حکم را فرار
داده است حلاله می تواند بگوید حکمها خودشان ترتیب
دیگری تعیین کنند یعنی تقسیم را. تقسیم راجع بحق الزحمه
حکم مشترك را. مقصود این است.

ولیر عدلیه - آقایان موافقین با ماده سی و یکم قیام
فرمایند (عدد برخاستند) تصویب شد ماده سی و دوم:

ماده ۳۲ - هرگاه بین حکم و طرف با طرفین دعوی
ترتیب خاصی معین نشده باشد حق الزحمه حکمها بطریق
ذیل خواهد بود.

اصد هزار و پانصد مدعی به. / ۵ پنج درصد برای کلبه حکمها
از صد هزار و یک ریال تا دویست هزار ریال. / ۴ چهار درصد
از دویست هزار و یک ریال تا پانصد هزار ریال. / ۳ سه درصد
از پانصد هزار ریال به بالا. / ۲ دو درصد

حق الزحمه مزبور از طرفین دعوی وصول و بالوجه بین
حکمها تقسیم میشود.

ولیر عدلیه - آقای دیا

طباطبائی دیا - در قانون سابق حکمیت این در عمل
دیده شد که خیلی اسباب زحمت است بلکه عملی هم نبود
بدیهی است مردم در دعوی خیلی با فرط قائل میشوند
مثلاً می آیند از طرف صد هزار تومان ادعا می کنند
و مدعی به را صد هزار تومان میگیرند و حکمها رای
بدهند به هزار تومان ممکن است این قبیل دعاوی پیش بیاید
یکی می آید و دعوی می کند صد هزار تومان آنوقت حکم
حکم میدهد به هزار تومان و اگر بخواهند از آن اصل ادعا
حق الحکمیة بگیرند و بآن میزان باشد حق الحکمیة چند
مقابل محکوم به میشود بنابراین عقیده بنده این است که
حق الحکمیة را باید از محکوم به گرفت نه از مدعی به. چون

میزان مدعی به معلوم نیست طرف دعوائی میکند بالاخره
حکمها هم رسیدگی می کنند و معلوم میشود دعوی بآن
مبلغی که ادعا شده بوده و کمتر بوده است این است که بنده
عقیده دارم که نوشته شود از محکوم به نه از مبلغی که ادعا
شده است

ولیر عدلیه - این ملاک در کیسها هم شد ولی
این نظر منطقی نیست برای اینکه ممکن است نتیجه
رای حکم این باشد که هیچ نگردد مدعی علیه هم هیچ
نقدی بنا بر این حکمها زحمت کشیده اند بیفایده بملایم
فایده دیگر هم دارد و آن این است که مدعی دعاوی
باطل و زیاد نکند و خودش حساب حقانیت خودش
را بکند و میزان مدعی به را آنطور فرار بدهد. (صحیح
است.)

ولیر عدلیه - آقای اورنگ

اورنگ - راجع بحق الحکمیة چنانکه در این ماده
تصریح کرده اند و میزانش را معین کرده اند در این میزان
معین سختی نیست ولی در اول این ماده دارد که هرگاه
بین حکم و طرفین دعوی ترتیب خاصی معین نشده باشد
حق الزحمه حکمها بطریق ذیل خواهد بود. یعنی اگر ترتیب
خاصی بین حکم و طرفین با اصحاب دعوی معین شده
است روی آن معین شده میگیرند و میدهند و اگر معین
نشده باشد روی این میزانی که در این ماده پیش بینی شده
از اصحاب دعوی گرفته میشود و بحکمها باین ترتیب داده
می شود. حالا يك قرارداد مدعی اصحاب دعوی کرده اند با
حکمها قرار داد کتبی که این میزان ما حق الحکمیة را
میدهم و پس از حکمیت و صدور رای حکمها اصحاب دعوی
آنها قرار داد کتبی را اجرا نکردند یعنی حق حکمها
را بر روی قرار داد کتبی خودشان ندادند در آن صورت
حکمها باید مطابق قوانین معمول آن قرار داد حق الحکمیة
را بحکم مروطه ارائه داده و محکمه باید بر طبق آن
قرارداد کتبی ورقه اجراییه صادر کند این را میخواستم
عرض کرده باشم که آقای وزیر عدلیه اگر مطلب همین

طور باشد که من در بافته ام و فهمیده ام * و حق مطالب هم همین است * ایشان هم موافقت فرمایند و توضیح این مسئله را در ایستاده بدهند که این توضیح سندیت داشته باشد برای اجرای این منظور.

وزیر عدلیه - جمله حق الزحمه مزبور از طرفین دعوی وصول و بالسویه بین حکمها تقسیم میشود این ذیل همان ماده سی و دو است یعنی آنچه که در ماده ۳۲ گفته شده است آنچه در آنجا گفته شده این است که اگر قرارداد خاصی بین طرفین مقرر شده است همان قهراً و اگر مقرر نشده باشد که بر تریب ذیل حق الحکمیة تعیین میشود. مزبور که گفتیم هر دو قسمت شامل است ولی برای توضیح بنده هم موافقت می کنم ضروری ندارد که بنویسیم حق الزحمه مزبور اعم از اینکه فرار دادی بین حکم و طرفین باشد یا بموجب این ترتیب تعیین شده باید وصول و بالسویه بین حکمها تقسیم شود.

اورنگ - آقای مؤید احدی التفات فرمودید؟ بعد از لفظ مزبور اعم از اینکه

رئیس - مرقوم فرمائید. پیشنهاد فرمائید.
اورنگ - مقصود این است که
رئیس - باید مرقوم فرمائید آقای
اورنگ - میخواهم پیشنهاد نباشد. يك كلمه از طرف خود دولت اضافه شود

مخبر (مؤید احدی) بنده عقیده ام این است که اگر دقت فرمائید عبارت مبرساند مطلب و منظور آنرا را چون عبارت بر میخورد هر دو جمله و ماده این است که یا يك ترتیب خاصی قرار داده شده است بین طرفین و حکمها اگر شده است که مطابق آن است اگر نشده است که باین ترتیب حق الحکمیة را باید بدهند در آخر ماده هم مینویسد حق الزحمه مزبور و این اعم است چه آنکه قرار داده شده است بین حکم و طرف و چه آنکه مطابق این قانون باشد از طرفین دعوی وصول و بالسویه

بین حکمها تقسیم میشود. این عبارت بنظر بنده واضح است و غیر این ترتیب توضیح واضح میشود.

رئیس - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - عقیده بنده این است که اگر کلمه مزبور برداشته شود کاملاً منظور آقای اورنگ نامین میشود چونکه این تعریف حق الحکمیة با حق الزحمه که اوسته شده و در ذیلش نوشته شده که حق الزحمه مزبور از طرفین دعوی وصول و بالسویه بین حکمها تقسیم میشود. از این کلمه مزبور مقیاد بر ذهن این است که همان چیزی که در این ماده در ابتدایش نوشته شده ولی اگر این کلمه برداشته شود و نوشته شود حق الزحمه از طرفین دعوی وصول و بالسویه بین حکمها تقسیم میشود این اشکال رفع میشود اعم از اینکه قراردادی باشد یا نباشد

رئیس - پیشنهاد آقای اورنگ:
پیشنهاد میکنم بعد از لفظ مزبور اعم از اینکه قرارداد خاصی بین حکمها و اصحاب دعوی شده باشد یا بر تریب ماده:

وزیر عدلیه - در مطلب اشکالی نیست ولی عبارت را اینطور اصلاح کنید: حق الزحمه حکمها (مزبور را میزنیم) اعم از اینکه بموجب قرارداد خاص یا مطابق ترتیب فوق باشد از طرفین دعوی وصول تا آخر.

رئیس - آقای اورنگ شما هم منظور موافقت دارید؟
اورنگ - بل بنده هم پیشنهاد خودم را مسترد میدارم و همین معنی منظور مرا کافی است.

رئیس - آقای احتشامزاده
احتشامزاده - بنده عقیده ام این است که در اینجا باید اصلاحی بعمل آید زیرا اصلحت نیست که در اینجا ذکر شود که حق الزحمه از طرفین وصولا می شود برای اینکه ممکن است مطابق قرارداد از محکوم باید گرفته شود یا اینکه حکمها رأی بدهند که از محکوم نباید گرفت بنابراین عقیده بنده اگر این پیشنهاد آقای اورنگ باین ترتیب اصلاح شود که حق الزحمه حکمها

اعم از اینکه مطابق قرارداد خاص باشد یا مطابق ماده فوق باشد وصول می شود بطور کلی چون اگر طرفین دعوی مکلف باشند از طرفین وصول می شود اگر از یکطرف باشد از یکطرف گرفته می شود ولی اگر بنویسیم از طرفین دعوی آنوقت موردی پیدا شود که باید از یکطرف گرفته شود و از این جهت اسباب ذمت نخواهد شد.

وزیر عدلیه - بنده هم موافقت میکنم که حق الزحمه حکمها اعم از اینکه قرارداد خاصی بین حکمها یا اصحاب دعوی شده باشد حق الزحمه وصول و بالسویه تقسیم می شود.

رئیس - مورد توافقی همین است؟ (بلی - صحیح است)
وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید این جا ممکن است يك اشکالی روی دهد و آن این است که ممکن است حق الزحمه نسبت به حکمهای اختصاصی بموجب قرارداد طرفین متفاوت باشد یکی نسبت به حکم خودش زیادتر قرار گذاشته باشد یکی کمتر و این جا وقتی که بنویسیم بالسویه تقسیم شود مخالف قرارداد می شود و محاکم در ذمت می افتند که مطابق قرارداد رفتار بکنند یا قانون

پس بهتر این است که بالسویه را اختصاص بدهیم به این مورد و میزانی که قانون معین کرده است و الا مطابق قرارداد می خودشان قرارداده اند پس عبارت را میتوان اینطور بنویسیم: (ترتیب قرارداد و یا بالسویه مطابق ترتیب فوق بین حکمها تقسیم می شود)

رئیس - این عبارت اصلاح شده قرائت میشود:
حق الزحمه حکمها اعم از اینکه قرارداد خاصی بین حکمها و اصحاب دعوی شده باشد و یا بر تریب فوق وصول و مطابق قرارداد در صورتیکه قرارداد خاصی باشد و الا بالسویه بین حکمها تقسیم می شود.

رئیس - موافقت با ماده ۳۲ با این اصلاحی که در ماده شد قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۳۳ قرائت می شود:

ماده ۳۳ - در مورد دعاوی که بموجب قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ و اصلاح آن رجوع به حکمیت شده است هر گاه در موقع اجرای این قانون

مدت حکمیت مطابق قوانین مزبور منقضی گشته یا حکمها رأی خود را نداده باشند و طرفین دعوی تجدیدیه یا تجدید مدت حکمیت نرانی نکنند بر طبق این قانون عمل خواهد شد

رئیس - اشکالی ندارد (غیر) موافقت با ماده سی و سه قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۳۴ قرائت می شود

ماده ۳۴ - نسبت به دعاوی که حکمهای بدوی طبق قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ رأی خود را داده و بر حسب تقاضای طرفین یا يك طرف رجوع به حکمیت تجدید نظر شده ولی حکمهایی که برای تجدید نظر تعیین شده اند هنوز در موشوع قضیه اظهار نظر نکرده اند حکمهای مزبور مکلفند که در ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون رأی خود را صادر و اعلام دارند و الا هر يك از طرفین میتواند در ظرف ده روز از تاریخ انقضاء مدت مذکور در فوق از رأی حکمهای بدوی استیناف بخواهد. در اینصورت حق الزحمه حکمهای بدوی پس از صدور حکم استیناف طبق ماده ۱۲ قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ وصول و ایصال خواهد شد.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - اصولاً لری که قانون حکمیت سابق با این قانون دارد این است که در قانون سابق مقرر شده است که حکمیت الزامی باشد یعنی هر يك از طرفین دعوی که تقاضای حکمیت کنند محکمه مکلف است که دعوی را به حکمیت تمام کند و در این لایحه برعکس است حکمیت را موکول بتراضی کرده است و در این ماده يك مواردی را که هنوز تکلیف رأی حکمها معلوم نشده معین کرده ولی يك مورد مهمتری پیش بینی نشده است و حالا هم در محاکم موارد عدیده دارد و آن این است که طرف تقاضای ارجاع به حکمیت کرده است ولی محکمه هنوز قرار صادر نکرده است و اگر هم قرار صادر کرده است هنوز حکمها مطابق قانون معین نشده اند. بنظر بنده با این اصلی که دولت در نظر دارد که حکمیت اجباری و الزامی را از بین ببرد و حکمیت را موکول کند بتراضی طرفین بهتر این است

در مواردی هم که هنوز حکم تعیین نشده باشد با قرار ارجاع به حکمیت صادر شده در این قبیل موارد هم این قانون جدیداً اجرا شود و کار بحکمیت ارجاع شود و الا خود محکمه مکلف است رسیدگی کند و برای تأمین این نظریه خردم پیشنهادی تقدیم کرده ام که بعنوان ماده ۳۴ تصویب شود و این ماده ۳۴ فعلی ماده ۳۵ باشد و مواد بعد هم همینطور اصلاح شود.

رئیس - ماده پیشنهادی آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم ماده ذیل بعنوان ماده ۳۴ اضافه شود ماده ۳۴ - نسبت بدعاری که سابقاً یکی از طرفین دعوی از محکمه تقاضای ارجاع به حکمیت کرده ولی در تاریخ تصویب این قانون هنوز تمام حکمها برتربیب مقرر در قانون ۱۳۰۶ تعیین نشده اند تقاضای مزبور کان لم یکن بوده و مطابق این قانون باید عمل شود

وزیر عدلیه - بنده با این پیشنهاد موافقت میکنم

رئیس - آقای مخبر

مخبر گمبیزون فواین عدلیه (مؤید احمدی) - عرض کنم این نظر نظر خوبی است لیکن بنظر بنده اگر تصور بفرمائید که ارجاع بحکمیت قرارش صادر شده این جا پیش بینی شده یا حکمها برتربیب مقرر در قانون تعیین شده اند يك فرض دیگر هم بنظر بنده میرسد که در اینجا تعیین شده و آن این است که قرار صادر شده ولی هنوز به رؤیت حکمها نرسیده است. میدانید از روزی حکمها رسمیت پیدا میکنند که با مضای آخرین حکم برسد یعنی هر سه نفر با هر دو نفر رؤیت نوشته باشند. حالا اگر چنانچه رؤیت شده باشد یعنی قرار حکمیت صادر شده اما هنوز ابلاغ نشده است بحکمها بنده عقیده ام این است که این قسمت را هم ضمیمه بکنیم که اصلاح شود

وزیر عدلیه - با این اصلاح هم بنده موافقم

احتشام زاده - منظور این است که حکمیت حتی الامکان مطابق مقررات در این قانون تمام شود و البته این نظریه

را هم که آقا میفرمائید صحیح است و تصور میکنم بدینست که اضافه کنند که با آنکه هنوز بحکمها ابلاغ نشده باشد رئیس - حالا ماده را اصلاح میکنیم و میخواهیم ماده ۳۴ - نسبت بدعاری که سابقاً یکی از طرفین دعوی از محکمه تقاضای ارجاع بحکمیت کرده ولی در تاریخ تصویب این قانون هنوز فراری از محکمه صادر نشده و یا اینکه هنوز تمام حکمها برتربیب مقرر در قانون ۱۳۰۶ تعیین نشده اند یا اینکه هنوز به حکمها ابلاغ نشده باشد تقاضای مزبور کان لم یکن بوده و مطابق این قانون باید عمل شود.

رئیس - صحیح است (نمایندگان - بل) آقایانیکه با ماده ۳۴ همین ترتیبی که اصلاح شد موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده سی و پنج قرائت می شود یعنی ماده سی و چهار قبل.

ماده ۳۵ - نسبت بدعاری که حکمهای بدوی طبق قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ رأی خود را داده و بر حسب تقاضای طرفین یا یکطرف رجوع به حکمیت تجدیدنظر شده ولی حکمهایی که برای تجدیدنظر تعیین شده اند هنوز در موضوع قضیه اظهار نظر نکرده اند حکمهای مزبور مکلفند که در ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون رأی خود را صادر و اعلام دارند و الا هر يك از طرفین میتواند در ظرف ده روز از تاریخ اقباض مدت مذکور در فوق از رأی حکمهای بدوی استیناف بخواهد. در این صورت حق الزحمه حکمهای بدوی پس از صدور حکم استیناف طبق ماده ۱۲ قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ وصول و ایصال خواهد شد

رئیس - آقای دبیبا

طباطبائی دبیبا - چون قانون مصوب اسفند ۱۳۰۶ در این قانون تصریح و نسخ می شود آنوقت این عبارت در این صورت حق الزحمه حکمهای بدوی (پس از صدور حکم استیناف طبق ماده ۱۲ قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ وصول و ایصال خواهد شد) يك قدری

اینجا مناسب نیست چون آن قانون دیگر نسخ می شود. (الوزیر عدلیه) - تصور میکنم هیچ کتالی ندارد و حکم آن قانون نسخ شود از این بعد ولی این جا موضوع احق الزحمه است و مطابق آن قانون وصول و ایصال نمی شود مابقی ندارد متافاتی هم ندارد.

رئیس - آقایانی که با ماده سی و پنج موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده سی و شش قرائت می شود.

ماده ۳۶ - دعاری ذیل قابل ارجاع بحکمیت نیست: (۱) دعاری راجع به توقف و ورشکستگی

(۲) دعاری راجع باصل نکاح و طلاق فسخ نکاح و بیذل

حکمت و نسب

رئیس - آقای دبیبا

طباطبائی دبیبا - يك مواردی هم هست که از موارد اصلی است یعنی مدعی العموم حق مداخله و اظهار عقیده دارد يك مواردی هم نیست است بنده معتقدم از آن قبیل موارد هم نباید به حکمیت مراجعه کرد در مواردی که مدعی العموم حق اظهار عقیده و مداخله دارد در آن قبیل موارد رجوع به حکمیت کردن هم صحیح نیست این را باید اصلاح کنیم.

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده عقیده ام این است که جا هایی که موارد ارجاع به شرح است مطلقاً باید نوشته شود که حکمیت موضوع ندارد.

وزیر عدلیه - مسئله را که آقای دبیبا فرمودند بنده دلیلی از برایش نمی بینم. يك قسمت از دعاری است که از موارد ابلاغ است یعنی همان راجع به صغیر و محزون و غفیه و اینطورها است یکی هم دعاری راجع به بدولت است. یکی هم راجع به خیرات عمومی است معذک اگر طرفین دعوی توافق کنند بيك حکمیتی هیچ دلیل ندارد که بگوئیم نشود و این کار هم چه بسا هست که خوب خواهد بود و هیچ دلیل ندارد.

رئیس - آقایان! موافقتی با ماده ۳۶ فرموده فرمائید (انجلس قیام نمودند) تصویب شد ماده ۳۶ قرائت میشود ماده ۳۷ - قانون حکمیت مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ و قانون اصلاح قانون حکمیت مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۰۸ نسخ میشود و مواد ۲۵۷ تا ۲۷۹ اصول محاکمات خفولی که بلا لحاظ قانون اسفند ۱۳۰۶ نسخ شده بود که کان بحال لغت و غنی باقی میماند. (انجلس قیام نمودند) تصویب شد ماده ۳۸ - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - چون رؤیه آنکه در این قانون جدید حکمیت المنزله شده است بشماره صحیح است ولی بنظر بنده

بنده مواردی هست که طبع کار مقضی این است که به حکمیت و کدخدا مقضی اصلاح شود مثل اختلافات بین زن و شوهر از حیث نفقه یا عدم تمکین یا راجع به مخارج طفلی که در حضانت زن است و این قبیل موارد از نظر وضعیت و کلیت دعوی مقضی است که حتی الامکان قضیه به حکمیت قطع و فصل شود مطابق این قانون اگر طرفین توافق نکنند البته بحکمیت خاتمه میشود ولی اگر توافق نکنند البته شروع است بنده عقیده ام این است که این دعاری را که عرض کردم مقضی است که حتی الامکان به حکمیت مراجعه شود و بحکمیت خاتمه پیدا کند بنا بر این بنده روی این نظر بيك پیشنهادی تهیه و تقدیم کرده ام که قبل از این ماده که ماده آخر است بعنوان ماده ۳۷ باشد و بقانون اضافه شود که تکلیف دعاری بین زن و شوهر راجع به مخارج نفقه و کسوة و مخارج اطفال یا حق تمکین و این قبیل مسائل یا سوء رفتار (چون ممکن است بيك زنی بر شوهر خود ادعا بکند که سوء رفتار یا من دارد یا خطر جانی برای من هست) این نوع چیزها را هم که در قانون پیش بینی نشده است بوسیله حکمیت تمام بکنند.

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم ماده ذیل بعنوان ماده ۳۷ تصویب شود

ماده ۳۷ - در موارد اختلافات ما بین زن و شوهر مراجع
بمیزان تقاضای زن در حکم تعدیل و طلاق و کسوة و نسکی و غیر
مخارج طفل که بر عهده شوهر و در حضانت زن باشد از
طرف هر يك از زوجین طرح فرود محاکم می توانند بده
ظاهراً هر يك از طرفین دعوی را ارجاع به حکمیت کرده
و در صورت عدم تراضی آنها در تعیین حکم لایزال دوشوهر را از
بین افراد طرفین در صورتیکه در محل سکونت خود اقرار نداشته
باشند از اشخاصی که با آنها معاشرت و دوستی دارند تعیین
کنند حکم ها مکلفند حتی الامکان سعی در ابلاغ بین
زوجین نموده و در صورتی که قادر با اصلاح لغزند رای
چورد و ادر تقضی حق بودن یکی از طرفین تعیین میزان
مخارج زن با طفل در صورتیکه موضوع دعوی مخارج باشد
بمحکمه تقدیم دارند و عکس پس از وصول رای حکم ها
خود رسیدگی کرده حکم خواهد داد. اگر بین حکمها
(در صورتیکه عدله آنها زوج باشد) توافق نظر حاصل
نشود خود آنها میتوانند يك نفر را بعنوان حکم ناک به
تراضی و چنانچه در تعیین ناک تراضی نشود بقرعه تعیین
کنند و در این صورت اکثریت آراء آنها مناط اعتبار است
محکمه در انتخاب حکم ها باید بیطرفی و انصاف آنها را بحسن
اخلاقی رعایت نماید. هر يك از طرفین می توانند در صورتیکه
از رای حکم ها شکایت داشته باشند اعتراضات خود را در
گرف يك ماه بعد از ابلاغ رای به محکمه بدهد و محکمه در
صورتی که اعتراضات خود را وارد بداند خود بموضوع
رسیدگی کرده حکم میدهد. این حکم فقط قابل استیناف
است. مرجع دعاوی فوق الذکر محکمه بدایت است و در
تقاضی که محکمه بدایت باشد به محکمه صلحیه در جاهائی
که محکمه صلح باشد بیاورین صلح رجوع میشود.

رئیس - نظر در ذات چیست؟
وزیر عدلیه - بنده موافقت دارم و خیلی خوب
ماده هم هست الا اینکه در آن قسمتی که پیشنهاد شده
که حکم ها نظر خود را در ذممتی بودن یکی از طرفین
اشخاصی دهند و به محکمه تقدیم کنند و محکمه خودش

رسیدگی کند و حکم بدهد این يك ذممتی پیشنهاد است
بجای آنکه اهلجا جای این است محکمه صلحیه مطابق
بظرف حکم ها حکم بدهد باید بگویم حکم ها فقط باید
لمتضمن ذممتی بودن یکی از طرفین را داده ولی عکس حکمیت را
میدهند اینک به محکمه بگویم این کار را هم بکن یعنی خودت
هم رسیدگی کن و هم حکم بده و الا فلسفه ارجاع
به حکم لغو می شود. این جمله را باید اصلاح کرد و الا
باقیش خوب است عبارت اینطور شود: حکمها رای
خود را تقدیم دارند و محکمه بر طبق رای آنها حکم
خواهد داد یعنی محکمه بعد از وصول بر طبق رای حکمها
حکم خواهد داد.

مظفر - بنده کلیتاً راجع باین قسمت خیلی
تسکرمیکم از آقای وزیر عدلیه که این قانون را بمجلس
آوردند. بخت اینکه آن دو قانون سابقی که راجع
به حکمیت گذشته بود به عقیده بنده مخالف عدالت بود
علتش راهم عرض کنم. فرض بفرمائید بنده میرقم به
محکمه عرضه میدادم از دست آقا و قاضی حکمیت
میگرم. طرف هم مجبور بود بپذیرد. این قانون خوبی
بود ولی باقتضای همانوقت ولی بعد در عمل دیدیم که
بعضی از این قانون سوء استفاده کردند یعنی اشخاصی
آمدند و يك استنهادی دوست کردند که فلان خانه زین
مال من است بعد از محکمه قاضی حکمیت بیکد طرف
مطابق آن قانون سابق مجبور بود بپذیرد و مسئله را
رجوع میکردند به حکمیت آنها هم میگفتند خوب حالا
زحمی کشیده دعوائی اقامه کرده استنهادی تقدیم کرده
خوب است صلحی بشود چیزی بگیرد. در قانون بدیش
آمدیم گفتیم که اگر مدرك عرض حال استنهاد باشد حکمیت
الزامی نیست لکن در سایر قسمت ها الزامی بود این قانون
یکالی آنها را ازین برده و به تراضی طرفین گذارده و
مطابق حق و عدالت است. در قسمت نکاح و طلاق چون
اینها از خصائص قانون شرع بود در این قانون نوشته
شد به حکمیت رجوع نشود. لکن يك قسمت های پیشه
می آید که مربوط به طلاق و نکاح نیست مثلاً دعوائی
است زوجی راجع بمخارج و راجع بمخارج طفل که
در حضانت زن است در این قسمت ها بهتر این است که

به حکمیت رجوع شود و همینطور هم در تمام گرفتارها
که بین اقربای آنها باشد و برای این يك آیه هم در
قرآن داریم و آن ختم شقاق بینهما فاجتوا حکماً من
اهله و حکماً من اهلها - این عمل مطابق این آیه هم
هست. و بنده کاملاً موافق هستم.

رئیس - آقای هزار جریبی
هزار جریبی - البته باید قانون را وکیل بتواند تا
چونانظر بدهد. لایحه اولدا که دادند شور اول بود.
حالا شور دوم است مخالفت ها گفته می شود. اما این
ماده بسیار دراز است که ماصلاً هیچ ملتفت نشدیم
پس چطور می توانیم رای بدهیم. آقای وزیر عدلیه باز
هم که لوایحی دارند ممکن است در لایحه نکاح
و اینها این ماده را به کجا بماند. این جا ما هیچ نمیدانیم
وزیر عدلیه - گرچه فاعده مقتضی است که همیشه
اول باید قانون مدنی و قانون موجد حق تصویب
شود و بعد از آن طرز محاکمه و طریق اثباتش لکن در
همین قسمت زوجیت و نکاح که انشالله عقرب می آید
در هفت آیه يك قسمت از قانون مدنی را بنده تقدیم
خواهم کرد که محتوی اختلاف بین زوجین است. در
آنجا حکمش معین شده طریقه رسیدگی آن قسمت
طبق قانون اصول محاکمات است و اصل این قانون
حکمیت هم در واقع قانون اصول محاکمات است
حالا چون این قانون مطرح است بنده هم مناسب دیدم
همین پیشنهاد آقای احتشام زاده گذاشته شود که بعد
يك ماده دیگری یا قانون مکرری الحاق نشود و لازم
است این همین جا گذاشته و تمام شود. این قسمت هم
خوب است. آقای هزار جریبی هم البته متوجه هستند
قانونی که مطابق عقاید عامه مردم و قرآن باشد بهترین
قانون است.

رئیس - آقابانی که با ماده سی و هفتم موضعی
که اصلاح شد موافقت دارند بخریزند. (اکثریر خاستند)
تصویب شد. ماده سی و هشتم.

ماده ۳۸ - قانون حکمیت مصوبه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶
و قانون اصلاح قانون حکمیت مصوبه ۱۱ فروردین ماه

۱۳۰۸ نسخ میشود و مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات
حقوقی که بموجب قانون اسفند ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ نسخ شده بود کلاً
بغالب منسوخ می نماید.

رئیس - نظری نیست آقای دکتر طاهری.
دکتر طاهری - به عقیده بنده يك کلمه در این ماده
باید اضافه شود و آن تاریخ اجراء است باید نوشته شود این
قانون پس از تصویب اجرا میشود.

وزیر عدلیه - بنده هم موافقم. اشکالی نیست نوشته
شود از تاریخ تصویب این قانون اجراء بنده خودم اضافه
میکم

رئیس - عبارت را اصلاح بفرمائید
دکتر طاهری - نوشته شود این قانون پس از تصویب
اجرا و قانون حکمیت الی آخر

رئیس - ممکن است پیشنهاد بفرمائید.
پیشنهاد آقای دکتر طاهری
این قانون پس از تصویب اجرا و قانون
رئیس - عین ماده اصلاح شده قرائت میشود
این قانون پس از تصویب اجراء و قانون حکمیت
مصوبه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ و قانون اصلاح قانون حکمیت
مصوبه ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۸ نسخ میشود و مواد
۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی که بموجب قانون
اسفند ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ نسخ شده بود کلاً بغالب منسوخ می باقی
میانند

وزیر عدلیه - بنده موافقم
رئیس - نظر آقای مخبر
مؤید احمدی (مخبر کبیرین عدلیه) - موافقم
رئیس - آقابانیکه با ماده ۳۸ موافقت دارند بخریزند
(اکثر قیام نمودند) تصویب شد مذاکرات در کلیات آخر
است. (عنائی نیست) آقای امیر
امیر - حالا که دولت متوجه معایب آن قانون شد و
ما هم دیدیم تجربه کردیم حکم قانون يك طرفی خوب
نیست جای آن بود که قانون مالبه را هم که يك طرف است

اصلاح فرمایند بزرگ بفرمایند این است که در اصلاح
قانون چه چایک بخواهد باشد از جلال خود است این
را در نظر بگیرند که در مورد مالی هم حکمیت اجباری
است اصلاح فرمایند زیرا اگر بنا شود در مورد دولت
حکمیت یک طرفی و اجباری را قبول کنیم و بخواهیم حکمیت
و دعوای اشخاص نسبت به یکدیگر اینطور باشد در اختیاری
باشد این البته یک نواخت نیست
وزیر عدله - بله ممکن است با آقای وزیر معاینه
در این باب مذاکره شود و نظر ایشان جلب شود و اگر

اصلاح هم لازم باشد در آن قانون بشود
رئیس - آقایانیکه با مجموع این قانون موافقت دارند
قیام فرمایند (اگر قیام کردند) بموجب شد
[۴- موقوع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است)
جلسه آینده شنبه ۲۷ بهمن ماه سه ساعت اول از
ظهر دستور لوائح وزارت عدله
(مجلس چهل دقیقه از ظهر گذشته ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی دادگر

قانون حکمیت

ماده ۱ - کلیه اشخاصیکه اهلیت اقامه دعوی را دارند میتوانند بتراضی اختلافات و منازعه خود را در حقوق
واموال اعم از اینکه در محاکم عدلیه طرح شده باشد در صورت طرح در هر مرحله که باشد میتوانند بتراضی بحکمیت
یک یا چند نفر رجوع کنند.

ماده ۲ - متعاملین میتوانند در ضمن معامله یا بموجب قرارداد علیحده ملتزم شوند که در صورت بروز
اختلاف بین آنها رفع اختلاف بطریق حکمیت بعمل آید و نیز میتوانند حکم یا حکم قضای خود را قبل از تولید
اختلاف معین کنند معذک در مورد معاملات واقع بین اتباع ایران و اتباع خارجه طرف ایرانی نمی تواند مادام
که اختلاف تولید نشده است بشعوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا بحکمیت یک یا چند
نفر یا بحکمیت هیئتی رجوع نماید که آن شخص یا اشخاص بر آن عهدت دارای همان تابعیت باشد که طرف معامله دارد
هر قراردادی که مخالف این حکم باشد باطل و بلا اثر است

ماده ۳ - در قرارداد حکمیت باید نکات ذیل ذکر شود
۱ - مشخصات طرفین و حکمها از قبیل اسم و اسم خانوادگی و غیره بطوری که واقع اثبات باشد
۲ - موضوع اختلاف که باید بحکمیت قطع شود

ماده ۴ - در مورد ماده ۲ هرگاه طرفین حکم یا حکمهای خود را در ضمن معامله یا قرار داد معین نکرده
باشند و در موقع بروز اختلاف یکطرف حکم خود را معین نماید طرف دیگر میتواند حکم خود را معین کرده بوسیله
اظهارنامه رسمی او را بطرف مقابل معرفی و از طرف مزبور تقاضا نماید که حکم خود را معین و معرفی کنند در این
صورت طرف مذکور مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و بارعایت مدت مسافت حکم خود را
معین و اعلام کند و هرگاه تقاضای مدت مذکور اقدام ننمود محکمه که صلاحیت رسیدگی بموضوع اختلاف را
دارد بتقاضای طرفی که حکم خود را معین کرده است حکم طرف دیگر را معین خواهد نمود در صورتیکه نسبت باصل
معامله یا قرار داد راجحه به حکمیت بر طرف اختلافی باشد محکمه قبلاً بیان رسیدگی کرده پس از اجراء
مسافرت به تعیین حکم ممتنع می نماید ولی مادام که حکم معین از طرف محکمه بحکم طرف ابلاغ نشده است
طرف ممتنع میتواند حکم خود را معین و معرفی کند ترتیب فوق در موارد ذیل نیز رعایت خواهد شد

۱ - هرگاه بموجب قرار داد بین طرفین حل اختلاف باید بحکم واحد رجوع شود و طرفین نخواهند با
توانند در انتخاب حکم مزبور تراضی کنند

۲ - در صورتیکه حکم یکی از طرفین قوت کند یا استعفاء دهد و طرف مزبور نخواهد چنانچه او را معین کند
۳ - در صورتی که طرفین نخواهند با توانند در انتخاب حکم ثالث تراضی نمایند

محکمه صلاحیت دار برای تعیین حکم محکمه است که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد

ماده ۵ - هرگاه در قرارداد حکمیت عدل حکمها معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین عدل حکمها توافق
کنند هر یک از طرفین باید بکنفر حکم اختصاصی و هر دو متفقاً بکنفر حکم ثالث معین کنند
ماده ۶ - اگر قرار داد حکمیت مدت اختیار حکمها معین نشده باشد مدت دو ماه خواهد بود و ابتداء
آن از روزی است که تمام حکمها کتباً قبول بحکمیت و اگر در مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ

ماده ۷ - در هر موردی که محکمه بجای طرفین یا یکی از آنها تعیین حکم میکند باید لا اقل اسم دو برابر عدله ای را که باید تعیین شود و واجد شرایط مقرره هستند نوشته و حکم یا حکمهای لازم را از بین آنها بطریق قرعه معین میکند.

ماده ۸ - اشخاص ذیل را مطلقاً نمیتوان بحکمیت معین کرد.

۱ - محکومین به جنایت و کسانی که با اتهام ارتکاب جنایتی تحت تعقیب هستند

۲ - محکومین به جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق حکم شدن محروم کرده باشد.

ماده ۹ - اشخاص ذیل بوسیله قرعه بحکمیت انتخاب نمیشوند.

۱ - کسانی که سن آنها کمتر از سی باشد.

۲ - کسانی که در مقر محکمه که حکم را معین میکنند مقیم یا ساکن نیستند.

ماده ۱۰ - اشخاص ذیل را نمیتوان به قید قرعه به سمت حکم مشترك معین کرد مگر به تراضی طرفین

۱ - کسی که در دعوی ذی نفع باشد.

۲ - اشخاصی که با یکی از متداعیین قرابت نسبی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند

۳ - کسی که نسبی یا کنهیل با یکی از متداعیین یا یکی از متداعیین مباشر امور او است.

۴ - کسی که خود یا زوجه اش وارث یکی از متداعیین است.

۵ - کسی که با یکی از متداعیین یا با اشخاصی که با یکی از آنها قرابت نسبی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم

دارند محاکمه جنالی یا جنحه سابقاً یا قبلاً داشته باشد

۶ - کسی که شخصاً یا زوجه او و با یکی از اقربای نسبی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او یا یکی از

متداعیین یا زوجه و با یکی از اقربای نسبی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او محاکمه حقوقی دارد.

۷ - قضات و صاحبان تصدیان بدایت و استئناف و حکام و سایر مأمورین دولت در حوزه مأموریت خود.

ماده ۱۱ - بعد از کشیدن قرعه و تعیین حکم هر يك از طرفین حق دارد از تاریخ اعلام در جلسه در صورت

حضور و ابلاغ با در صورت غیبت تا ده روز حکم معین را رد کند مگر آنکه موجبات رد بهماً حادث شده باشد که در

این صورت ابتداء مدت از روزی است که علت حادث شده - محکمه پس از وصول اعتراض رسیدگی کرده هر گاه آنرا

وارد دید حکم دیگری را بجای حکم مردود معین میکند

ماده ۱۲ - بعد از تعیین حکم یا حکمها طرفین حق عزل آنها را ندارند مگر به تراضی یکدیگر

ماده ۱۳ - پس از قبول حکمیت حکمها حق استعفا ندارند مگر در صورت داشتن عذر موجه از قبیل مسافرت

یا ناخوشی و امثال آن - حکمی که بدوین داشتن عذر موجه استعفا دهد تا پنجسال بطریق قرعه بحکمیت معین

نخواهد شد و در صورتیکه در دو جلسه بدون عذر موجه حاضر نشود حکمها آنیکه در جلسات حاضر شده این مراتب

را به محکمه مربوطه ابلاغ میدهند و محکمه دیگری را بجای او معین میکند مگر آنکه طرفین به حکمیت خود آن

حکم تراضی کنند

ماده ۱۴ - هر گاه حکمها در مهلت معین در قرار داد حکمیت یا بدینی را که قانون معین کرده است رأی

ندهند حکمیت آنان کان لم یکن خواهد بود مگر آنکه طرفین مهلت تعیینی قرار بدهند

ماده ۱۵ - شخص ثالثی که مطابق قانون جانب نشود و با اولی و دوم از ارجاع اختلاف بحکمیت وارد دعوی میشود میتواند با طرفین اصلی در ارجاع امر بحکمیت و تعیین حکم یا محکومین تعیین نماید مگر در صورتی که حاصل تکرار بدعوی مشارالیه مطابق مقررات استعلام رسیدگی خواهد بود

ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به حکم بیاورند و حکمها نیز مطابق مقررات لازم است یا از

آنها بخواهند - هر گاه در ضمن رسیدگی کتب ارضاع یا اجرائی خود که مربوط به جنحه یا جنایت و در رأی حکم

مؤثر بوده و تفکیک جهت حقوق از جزائی ممکن باشد و همچنین در صورتیکه دعوی مربوط به امر نکاح یا طلاق

یا نسب بوده و رای اختلاف در امر نکاح یا اجاع بحکمیت تعیین میشود بر رسیدگی باصل نکاح یا طلاق یا نسب بدون

حکمها باید دعوی رای محکمه ارجاع میکنند با محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد رجوع کنند و

پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر جزائی یا اصل نکاح یا طلاق یا نسب حکم ضروری محکمه ابلاغ میشود و

مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید میگردد.

حکمها نمیتواند برخلاف نظام حکم مربوط به امر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب رأی دهند.

دعوی جعل و تزویر رسیدگی بدوین تعیین چنانچه ضروری باشد که تعیین چنانچه ضروری است از جهت قانونی

ممکن نباشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست

ماده ۱۷ - در موارد ذیل حکمیت ازین میبرد.

۱ - در صورت تراضی طرفین

۲ - در صورت فوت یا حجر یکی از طرفین

ماده ۱۸ - حکمها در رسیدگی در رأی رای ابعاد اصول محاکمه پسندیدنی ولی باید شرایط قرار داد حکمیت

و رعایت کنند.

رأی حکم باید موجه بوده و مخالف با قوانین عمومی (قوانین موجد حق) نباشد.

ماده ۱۹ - در صورتیکه حکمها اختیار صلح داشته باشند میتوانند دعوی را صلح خانیه دهند.

ماده ۲۰ - اگر یکی از حکمها در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر بوده ولی برای دادن رأی بنبودن

حاضر موجه حاضر نشود یا از دادن رأی امتناع نماید رأیکه به استحضار است با وجود غیبت است عدم

حضور و با امتناع حکم از دادن رأی یا از امتناع آن باید در صورتیکه حکمیت باشد

ماده ۲۱ - پس از وصول رأی حکم بدوین دفتر یا ابلاغ رأی محکمه آنرا در دو سه عمل ثبت کرده

مطابقت ثبت را با اصل به تصدیق و ارضاء بدوین محکمه میسر نماید و اصل حکم را برای ابلاغ به صاحب دعوی میفرستد

ماده ۲۲ - هر گاه محکمه علیه یا در روز بعد از ابلاغ باصل حکم را اجرا نکند محکمه ارجاع میکنند

دعوی بحکمیت و با محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد مکلف است به تقاضای طرف ذی نفع بر طبق رأی

حکم در وقت اجرائیه صادر کند

ماده ۲۳ - هر گاه طرفین رأی حکم را با اتفاق رد کنند حکم بلا اثر خواهد بود

ماده ۲۴ - حکمها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بیاورند و در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای

مدت حکمیت صادر شده باشد هر يك از طرفین میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ باصل حکم قانونی نسخ

آنرا از محکمه ارجاع میکنند و با محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بخواهند

ماده ۲۵ - هرگاه حکمها در حسابی اشتباه کرده که این اشتباه در رأی مؤثر باشد و یا قسمتی از مدعی به رأی که مورد رسیدگی بوده اعتباراً در رأی خود ذکر نکرده باشند طرف ذی نفع می تواند در صورتی که بدت حکمیت باقی باشد تصحیح آنرا از خود حکم ما و الا در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی حکمها از محکمه ارجاع کنند دعوی به حکمیت با از محکمه صالحه بخواهد.

ماده ۲۶ - در موارد ذیل رأی حکم اساساً باطل و از درجه اعتبار ساقط است

۱ - در صورتیکه رأی مخالف با قانون باشد

۲ - وقتی که حکمها خارج از حدود اختیارات خود و یا نسبت به مطالبی که موضوع حکمیت بوده است رأی داده باشند

۳ - در موردی که بر خلاف سند رسمی که بجهتی از جهات قانونی از اعتبار نفاذ است رأی داده باشند.

ماده ۲۷ - در مورد داده فوق هر يك از طرفین میتواند از محکمه که دعوی را ارجاع بحکمیت کرده یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بطلان رأی حکم را بخواهد در اینصورت محکمه مکلف است بتقاضای مزبور رسیدگی کرده هر گاه رأی بر طبق ماده فوق باطل باشد حکم به بطلان آن بدهد رد تقاضای ابطال رأی حکم و حکم به بطلان آن فقط قابل استیناف است در صورتی که رد تقاضا با حکم به بطلان از محکمه استیناف صادر شده باشد قابل تمیز است.

در مورد این ماده هرگاه ورقه اجرائیه صادر شده باشد محکمه باید فوراً و قبل از تعیین جلسه بدلائل تقاضا کننده توجه کرده هر گاه دلائل را قوی یافت فراری دائر بتوقیف ورقه اجرائیه صادر نماید

ماده ۲۸ - در صورتی که دعوی در مرحله تمیزی رجوع بحکمیت شده باشد تقاضای ابطال باید از محکمه بعمل آید که حکم مورد استدعای تمیز را داده بوده است.

رد تقاضای ابطال و یا حکم به بطلان رأی حکم صادر از این محکمه فقط قابل تمیز خواهد بود.

ماده ۲۹ - عرضحال استینافی و تمیزی از حیث غسارخ و مدت و طرز تنظیم و همچنین رسیدگی بدعوی تابع مقررات اصول محاکم حقوقی است.

ماده ۳۰ - رأی حکم فقط در باره طرفین دعوی و اشخاصیکه دخالت و شرکت در تعیین حکم داشته و قائم مقام آنان نافذ است و نسبت بانخاص خارج به چه وجه تاثری نخواهد داشت.

ماده ۳۱ - حق الزوجه حکم اختصاصی هر يك از طرفین بعهده خود آن طرف و حق الزوجه حکم مشترك بعهده طرفین است که باید بالمناصه بپردازند معذک حکمها میتواند در ضمن حکم خود تقسیم مزبور را به ترتیب دیگری مقرر کنند مگر اینکه بین طرفین قرار داد خاصی در ترتیب پرداخت حق الحکمیة اشکمها مقرر شده باشد.

ماده ۳۲ - هرگاه بین حکم و طرفین یا طرفین دعوی ترتیب خاصی تعیین شده باشد حق الزوجه حکمها بطریق ذیل خواهد بود.

- ۱ - تا صد هزار ریال مدعی به
- ۲ - از صد هزار و یک ریال تا دویست هزار ریال
- ۳ - از دویست هزار و یک ریال تا پانصد هزار ریال
- ۴ - از پانصد هزار ریال به بالا

حق الزوجه حکمها اعم از اینکه قرار داد خاصی بین حکمها و اصحاب دعوی داده یا بفریب اوق و اصول و مطابق قرار داد در صورتی که قرار داد خاصی باشد و الا با و به بین حکمها تقسیم میشود.

ماده ۳۳ - در مورد دعوی که بموجب قانون حکمیت بموجب اسفند ۱۳۱۶ و اصلاح آن رجوع بحکمیت شده است هرگاه در موقع اجراء این قانون بدت حکمیت مطابق قوانین مزبور و بتقاضی کنند و حکمها رأی خود را نداده باشند و طرفین دعوی به تجدید بدت حکمیت اراضی بکنند بر طبق این قانون عمل خواهد بود.

ماده ۳۴ - نسبت به دعوی که سابقاً یکی از طرفین دعوی از محکمه تقاضای ارجاع بحکمیت کرده ولی در تاریخ تصویب این قانون هنوز قرار دادی از محکمه صادر نشده و با آنکه هنوز تمام حکمها بتزیب و فرود در قانون ۲۹ اسفند ۱۳۱۶ تعیین نشده اند با آنکه هنوز به حکمها ابلاغ نشده باشد تقاضای مزبور کان لم یکن بود و مطابق این قانون باید عمل بشود.

ماده ۳۵ - نسبت بدعوی که حکمهای بدوی طبق قانون حکمیت بموجب اسفند ۱۳۱۶ رأی خود را داده و بر حسب تقاضای طرفین بایک طرف رجوع بحکمیت تجدید نظر شده ولی حکمهای که برای تجدید نظر تعیین شده اند هنوز در موضوع قضیه اظهار نظر نکرده اند حکمهای مزبور بکافند که در ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون رأی خود را صادر و اعلام دارند و الا هر يك از طرفین میتوانند در ظرف دو روز از تاریخ انقضای بدت مذکور در فوق از رأی حکمهای بدوی استیناف بخواهند.

در این صورت حق الزوجه حکمهای بدوی پس از صدور حکم استیناف طبق ماده ۱۲ قانون حکمیت بموجب اسفند ۱۳۱۶ وصول و ایصال خواهد شد.

ماده ۳۶ - دعوی ذیل قابل ارجاع بحکمیت است

۱ - دعوی راجعه به اوقف و ورشکستگی

۲ - دعوی راجعه باصل نکاح و طلاق و فسخ نکاح و بطلان بدت و نسب

ماده ۳۷ - در مورد اختلافات ما بین زن و شوهر راجعه به سوء رفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوم و سکنی و نیز مخارج طفلی که بر عهده شوهر و در جنات زن باشد از طرف هر يك از زوجین طرح شود محاکم میتوانند به تقاضای هر يك از طرفین دعوی را ارجاع بحکمیت نموده و در صورت عدم رضای آنها در تعیین حکم لا اقل دو نفر را از بین آریا طرفین و در صورتیکه در محل سکونت خود ارباب ندانند یا ندانند از اشخاصی که با آنها معاشرت و دوستی دارند تعیین کنند حکمها بکافند حتی الا بکن سهمی در اصلاح بین زوجین بوده و در صورتیکه قادر با اصلاح شوند رأی خود را در تعیین ذی حق بودن یکی از طرفین تعیین و میزان مخارج زن یا طویل در صورتی که موضوع دعوی مخارج باشد به محکمه تقدیم دارند و محکمه پس از وصول بر طبق رأی حکمها حکم خواهد داد اگر بیعت حکمها (در صورتیکه عدم آنها زوج باشد) توافقی نظر حاصل نشود خود آنها می توانند يك نفر را بعنوان حکم ثالث براضی و چنانچه در تعیین ثالث رضای بشود به فرعه تعیین کنند و در این صورت اکثریت آراء آنها مشاط اعتبار است محکمه در انتخاب حکمها باید بیطرفی و انصاف آنها را بحسن اخلاقی رعایت نماید.

هر يك از طرفین می توانند در صورتی که از رأی حکمها شکایت داشته باشد اعتراضات خود را در ظرف یکماه بعد از ابلاغ رأی به محکمه بدهد و محکمه در صورتیکه اعتراضات را وارد بداند خود بی موضوع رسیدگی کرده حکم

هی دود این حکم لایق قابل استیفاء است - مرجع دعاری اونی الذکر چنگه بدایت اوست و در تقاضای که حکم بدایت بداند
به حکم ملحقه و در جاهایی که حکم ملحق هم باشد به آوردن ملحق رجوع می شود.

ماده ۳۸ - این قانون پس از تصویب اجراء و قانون حکمیت مصوبه ۲۹ - اسفند ۱۳۰۶ و قانون اصلاح قانون
حکمیت مصوبه ۱۱ - فروردین ماه ۱۳۰۸ ملحق و پیوسته و مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول محاکمات حقوقی که به موجب
قانون اسفند ۱۳۰۶ ملحق شده بود کما کان بحال است - و غی باقی می ماند

این قانون که در جدول بر ۳۸ ماده است در چهل و یکم بهمن ماه یک هزار و سیصد و سیصد و نهمی تصویب
مجلس شورای ملی شده است.

رأیس مجلس شورای ملی - دادگر